

فهرست یازده‌گانه حجت الاسلام پناهیان برای آمادگی قلبی در شب قدر

حجت الاسلام پناهیان: این یازده مورد شرایطی هستند که به ما کمک می‌کنند برای حضور در شب‌های قدر آمادگی قلبی پیدا کنیم. هر کدام از این شرایط را به هر مقداری نداشته باشیم، به همان مقدار از فیض شب‌های قدر محروم خواهیم بود. چون فیض شب‌های قدر را به اندازه صفای قلب و سلامت قلب‌مان به ما عنایت می‌کنند. درباره هر کدام از این شرایط، چند دقیقه فکر کنید و قلب خودتان را به آن موضوع متوجه کنید، تا ان‌شاءالله یک دل آماده برای حضور در شب قدر پیدا کنید.

حجت الاسلام پناهیان در سخنرانی خود در شب قدر، با بیان اینکه مهمترین چیزی که باید برای شب قدر آماده کنیم قلب‌مان است، به تبیین ۱۱ محور برای آمادگی قلبی در شب قدر پرداخت. در ادامه فرازهایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

مهمترین چیزی که باید برای شب قدر آماده کنیم، قلب‌مان است/فهرستی از شرایط قلبی مورد نیاز برای ورود به شب قدر

- ما وقتی می‌خواهیم به سفر برویم، طبیعتاً یک‌سری مقدمات را برای آن فراهم می‌کنیم. حالا در نظر بگیرید که می‌خواهید سفر بسیار با عظمت «لیله‌القدر» را شروع کنید؛ شبی که از سی هزار شب (هزار ماه) برتر است. شبی که به اندازه یک عمر ارزش دارد. طبیعتاً وقتی می‌خواهیم سفر لیل‌القدر را آغاز کنیم، باید یک آمادگی‌هایی برای آن پیدا کنیم و یک مقدماتی را فراهم کنیم.
- ما برای آمادگی یافتن جهت ورود به شب قدر، چه کاری باید انجام دهیم؟ مهمترین بخش از وجودمان که باید آن را برای شب قدر آماده کنیم، قلب‌مان است. یعنی باید با یک دل باصفا بیاییم و در محضر پروردگار عالم قرار بگیریم. حالا با این دل باید چه کار کرد که آمادگی حضور در شب قدر را پیدا کند؟ در این جا بر اساس روایات و مجموعه‌ای از نشانه‌هایی که وجود دارد، فهرستی از شرایط قلبی مطلوب، برای حضور در شب قدر را بیان می‌کنیم:

۱- دل‌مان را از کینه و حسادت و دشمنی نسبت به مؤمنین خالی کنیم

- یکی از شرایط قلبی ورود به شب قدر این است که دل‌مان را از کینه‌ها خالی کنیم. یعنی نسبت به مؤمنین در دل‌مان کینه، حسادت و دشمنی باقی نگذاریم. حتی اگر کسی به ما ظلم کرده است، از او بگذریم؛ البته منظور ما از کسانی که به ما ظلم کرده‌اند، غیر از جریان استکبار و ظالمان و صهیونیست‌ها و منافقان است؛ حساب اینها جداست.
- پیامبر گرامی اسلام (ص) چند مرتبه درباره کسی فرموده بود که او اهل بهشت است. یکی از اصحاب می‌گوید: من حساس شده بودم که چرا او اهل بهشت است، لذا به او گفتم: من چند روز است که با پدرم قهر کرده‌ام و می‌خواهم به خانه تو بیایم. او هم پذیرفت. به خانه او رفتم و سه شب در آن جا ماندم اما در این مدت دیدم که او نه عبادت خاصی مثل نماز شب انجام می‌دهد و نه رفتار فوق‌العاده‌ای دارد. بعد از چند روز به او گفتم: رسول خدا (ص) چندبار فرموده است که تو اهل بهشت هستی، خودت فکر می‌کنی برای چه اهل بهشت هستی؟ او گفت: شاید به این دلیل باشد که من کینه کسی را به دل نمی‌گیرم و نسبت به کسی بدخواهی نمی‌کنم؛ حَکَى أَسْوَأَ مَا كُنَّا يَوْمًا جَالِسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَطَّلِعُ عَلَيْكُمْ الْآنَ مِنْ هَذَا الْفَجِّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ قَالَ فَطَلَعَ رَجُلٌ مِنَ النَّاصِرِ... فَبَاتَ عِنْدَهُ ثَلَاثَ لَيَالٍ فَلَمَّ يَرُهُ يَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ شَيْئًا غَيْرَ أَنَّهُ إِذَا انْقَلَبَ عَلَيَّ فِرَاشِهِ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى فَلَمَّ يَسْمَعُ حَتَّى

يَقُومُ لِمَلَأَةِ الْفَجْرِ... فَقَالَ مَا هُوَ إِلَّا مَا رَأَيْتَ غَيْرَ أَنِّي لَا أُجِدُّ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي نَفْسِي غِشًا وَلَا حَسَدًا عَلَى خَيْرِ أَعْمَاءِ اللَّهِ إِيَّاهُ. قَالَ عَبْدُ اللَّهِ هِيَ الَّتِي بَلَعْتُ بِكَ وَ هِيَ الَّتِي لَا تُطِيقُ «(تنبيه الخواطر/۱/۱۲۶)

- روایات دیگری از پیامبر اکرم (ص) نیز هست که یکی از علائم عاقبت به‌خیری (علائم اهل بهشت)، دلسوزی و خیرخواهی برای مسلمان‌ها و مؤمنین است. (مَنْ يَضْمَنُ لِي خَمْسًا أَضْمَنُ لَهُ الْجَنَّةَ قِيلَ وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ النَّصِيحَةُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ النَّصِيحَةُ لِرَسُولِهِ وَ النَّصِيحَةُ لِكِتَابِ اللَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِذِيَنِ اللَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ؛ خصال/۱/۲۹۴) دل پاک داشتن نسبت به دیگران، خیلی مهم است. همه کسانی که ممکن است ما از آنها بدمان بیاید، حتی کسانی که به ما ظلم کرده‌اند (و شاید لازم باشد که تنبیه شوند) بالاخره بندگان خدا هستند و خداوند دوست ندارد ما نسبت به بندگانش کینه و خصومت داشته باشیم. به‌جای کینه‌ورزی نسبت به کسانی که به تو آزار رسانده‌اند (البته غیر از ظالمان و مستکبران عالم) می‌توانی از خدا بخوای که شر او را از سر تو دفع کند که آزارش به تو نرسد.

- رسول خدا (ص) فرموده‌اند: از لغزشهای خطاکاران درگذرید تا بدین سبب خداوند شما را از مقررات ناگوار حفظ کند (تجاوزوا عن عَثْرَاتِ الْخَاطِئِينَ يَتَّقِيَكُمْ اللَّهُ بِذَلِكَ سَوْءُ الْأَقْدَارِ؛ ورام/۲/۱۲۰) و در روایت دیگری فرموده‌اند: از گناهان مردم در گذرید، تا خداوند بدین سبب عذاب دوزخ را از شما دور گرداند (تجاوزوا عن ذُنُوبِ النَّاسِ يَدْفَعِ اللَّهُ عَنْكُمْ بِذَلِكَ عَذَابَ النَّارِ؛ همان منبع)

۲- با رضایت و دل شاد در خانه خدا برویم، نه با شکایت/ «شکر» یکی از شرایط و آداب دعاست

- یکی دیگر از شرایط لازم برای اینکه انسان در شب قدر، یک دل باصفا به محضر پروردگارش بیاورد، این است که دل انسان توأم با رضایت باشد نه توأم با شکایت؛ یعنی از خدا ناراضی نباشیم. حتی اگر از زندگی خودمان هم ناراضی هستیم، لاقلاً از خدا راضی باشیم. بگوییم: «خدایا! من از تو راضی هستم. حتماً در این مشکلات و گرفتاری‌هایی که به من داده‌ای، یک مصلحت‌هایی را برای من در نظر گرفته‌ای...» به تعبیری، دل شاد در خانه خداوند ببریم. این خیلی برای خداوند متعال اهمیت دارد.

- امام حسن (ع) می‌فرماید: «من ضمانت می‌کنم اگر در قلب کسی جز رضای الهی نباشد، هر دعایی کند مستجاب شود: أَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجَسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ فَيَسْتَجَابَ لَهُ؛ کافی/۲/۶۲) یعنی رضایت دادن به رضای الهی، انسان را مستجاب‌الدعوه می‌کند. در شب قدر به امام رضا (ع) توسل پیدا کنید که امام رضا (ع) شما را کمک کند و شما را به «مقام رضا» برساند و با رضایت در خانه پروردگار عالم بروید، نه با شکایت. البته اشکالی ندارد که توأم با رضایت، از خداوند درخواست‌هایی هم داشته باشیم که اوضاع‌مان تغییر کند ولی نباید از موضوع «رضایت» غافل شویم.
- طبیعتاً یکی از ابعاد و آثار رضایت از پروردگار، «شکر» خواهد بود. انسان راضی از نعمات الهی طبیعتاً شاکر می‌شود و تازه می‌تواند نعمات و الطاف خداوند نسبت به خودش را ببیند. شکر یکی از شرایط و آداب دعاست. کسی که می‌خواهد از خدا چیزی بخواهد، اول باید از خدا شاکر باشد.

۳- بلند همت باشیم و کم نخواهیم/ همت بلند از علائم صفای باطن است

- تا این‌جا دو شرط یا دو مرتبه برای یک دل باصفا بیان شد: ۱- دل بی‌کینه ۲- دل راضی و شاکر. اما غیر از دو مرتبه فوق، دل باصفا دلی است که بلند همت باشد و کم نخواهد. اگر کسی کم بخواهد، این علامت مساوت قلب اوست. اگر کسی دون همت باشد، این

خودش علامت نورانی نبودن و باصفا نبودن دل است. همت بلند از علائم صفای باطن است. مثلاً اگر می‌خواهی دعا کنی که «خدایا! مرا از سربازان حضرت ولی عصر(ع) قرار بده» به‌جای آن بگو: «خدایا! مرا از فرماندهان حضرت قرار بده» یا اگر می‌خواهی برای نجات همه فقرای عالم از فقر و تنگدستی دعا کنی، برای خود ظهور دعا کن که بالاتر از آن است. اصلاً ظهور و نجات مسلمانان عالم، مسأله تو باشد. بلکه از خدا بخواه که خودت بتوانی در این عرصه‌ها نقش‌آفرینی کنی.

• «همت بلند» و «بلند نظری» علامت صفای باطن است. حضرت امام(ره) آن‌قدر تهذیب نفس کرده بود و آن‌قدر به صفای باطن رسیده بود که می‌توانست در بیانیه‌های خودش این‌چنین بنویسد: «ای مسلمانان در همه بلاد و اقطار عالم بپاخیزید» (صحیفه امام ۱۹/۳۴۴) یعنی خواسته‌ها و شعارهای انقلابی حضرت امام(ره) به هیچ‌وجه حتی به منطقه جهان اسلام محدود نمی‌شد؛ چه رسد به اینکه به کشور خودمان محدود شود. مثلاً می‌فرمود: «ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید» (صحیفه امام ۴۴۸/۲۱) وصیتنامه) و «اسلام ابرقدرتها را به خاک مزلت می‌نشانند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگ‌های کلیدی جهان را فتح خواهد کرد» (صحیفه امام ۳۲۵/۲۰) این عبارت‌ها از هر کسی صادر نمی‌شود؛ معمولاً همت آدم‌ها این‌قدر بالا نیست.

• **کسی که فقط به فکر خودش باشد، صفای باطن ندارد. انسان ساده‌لوحی که صرفاً برای نجات خودش از مشکلات، دعا می‌کند، صفای باطن ندارد؛ درحالی‌که می‌بیند نجات خودش از مشکلات، به نجات همه عالم از مشکلات، گره خورده است. کما اینکه امام زمان(ع) می‌فرماید: «برای فرج، خیلی دعا کنید که فرج شما هم در همان است؛ اُكْتَبُوا الدُّعَاءَ بِتَجْعِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» (کمال‌الدین ۴۸۵/۲)**

• وقتی همت خود را بالا بگیری، برای همه طلب مغفرت خواهی کرد. برای همه بیماران طلب شفا خواهی کرد و برای خودت هم مراتب بالایی را تقاضا خواهی کرد. کما اینکه در دعای کمیل می‌خوانیم: «مرا جزء بهترین بندگان خودت قرار بده؛ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيْبًا عِنْدَكَ وَ اقْرِبِهِمْ مَنْزِلَةَ مِنْكَ وَ اخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ» (مصباح‌المتهجد ۸۵۰/۲) در شب قدر بنشینید زار زار گریه کنید برای اینکه «خدایا! چرا من جزء بهترین بندگان تو نیستم؟» این را تفریحی نگویند؛ برایش غصه بخورید. این یعنی صفای باطن. این هم یکی از علائم یا شرایطی است که در قلب آماده برای شب‌های قدر لازم است.

۴- برای خودمان هیچ خوبی‌ای قائل نباشیم/با دست خالی در خانه خدا برویم

• یکی دیگر از شرایط یا ویژگی‌هایی که برای کسب آمادگی روحی در شب‌های قدر لازم است، این است که برای خودت هیچ خوبی‌ای قائل نباشی. مثل کسانی که در شب قدر حضور پیدا کن که در پرونده خودشان هیچ خوبی‌ای نداشته‌اند و فقط بدی و گناه داشته‌اند. فکر کن که اگر همیشه گنهگار بودی و هیچ توبایی نداشتی، در شب قدر چگونه در خانه خدا می‌رفتی؟ چقدر با انکسار و تضرع و با دست خالی در خانه خدا می‌رفتی؟ الان هم همان طوری در خانه خدا برو.

• امام سجاد(ع) در مناجات خود، دست‌هایش را به سوی خدا دراز می‌کرد و صدا می‌زد: «خدایا! با دست‌هایی پر از گناه در خانه تو آمده‌ام؛ وَ رَفَعَ بَاطِنَ كَفَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ جَعَلَ يَقُولُ: سَيِّدِي سَيِّدِي هَذِهِ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا إِلَيْكَ بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً» (امالی صدوق ۲۱۹) ببینید امام سجاد(ع) چگونه دعا می‌خواند و خودش را در چه موقعیتی می‌دید؟ وقتی امام ما این‌گونه در خانه خدا می‌رود، تکلیف ما معلوم است.

• علامت صفای باطن این است که در گذشته خودت هیچ خوبی‌ای نبینی. البته خیلی سخت است که انسان برای خودش هیچ خوبی‌ای نبیند. ولی اگر یک‌مقدار تأمل کنیم، ان‌شاءالله به این موضوع می‌رسیم که در گذشته خودمان هیچ خوبی‌ای نبینیم و به جایش، بدی‌ها و گناهان خودمان را ببینیم.

• **نگویید: «ما که عرق نخورده‌ایم، چاقو نکشیده‌ایم، بی‌نمازی نکرده‌ایم، و خیلی از گناهان را انجام نداده‌ایم!» منظور ما هم این نیست که این گناهانی که مرتکب نشده‌اید را به خودتان نسبت دهید. ولی ما کارهایی انجام داده‌ایم که خدا از ما (در حد و اندازه خودمان) انتظار نداشته است. چه بسا خدا از آن آدم چاقوکش، انتظار داشته که چاقو بکشد(به خاطر شرایط و فضای تربیتی‌ای که در آن قرار داشته است) و چه بسا اگر ما یک ترک مستحب یا انجام مکروه داشته باشیم، به اندازه چاقوکنشی آن فرد، در نزد خداوند، غیرقابل قبول و بد باشد.**

• مهم این است که در محضر خداوند و نسبت به مقام ربوبی و نسبت به قدرشناسی پروردگار عالم، خودمان را صفر ببینیم چون ما قطعاً قدر خدا را آن‌چنان که شایسته است ندانسته‌ایم: «وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (زمر ۶۷) این روحیه انکسار خیلی مهم است. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «ای ابازر، به کوچک بودن گناه خودت نگاه نکن، بلکه بین گناه چه کسی را انجام داده‌ای(چه کسی را نافرمانی کرده‌ای)؛ يَا أَبَا ذَرٍّ لَا تَنْظُرْ إِلَى صِغَرِ الْخَطِيئَةِ وَ لَكِنَّ أَنْظُرْ إِلَى مَنْ عَصَيْتَ» (امالی طوسی ۵۲۸) یعنی گناه خودت را با عظمت خداوند مقایسه کن؛ در این صورت کمترین جنایت خودت را بزرگترین جنایت خواهی دید. الگوی طبیعی چنین حالتی اولیاء خداوند هستند و این حالت انکسار و تضرع را در مناجات‌های امام سجاد(ع) و سایر ائمه هدی(ع) می‌توان دید.

۵- برای آینده خودمان به چیزی جز خدا تکیه نکنیم/ اتکا، به غیر خدا، قساوت قلب است

• علامت دیگر صفای دل، این است که برای آینده خودت به چیزی جز خدا تکیه نکنی و اصلاً برای خودت، آینده نبینی. مثلاً فرض کنی که برگه بیماری سرطان را به دست تو داده‌اند و گفته‌اند که دیگر کار تو تمام است و رفتنی هستی. یعنی اصلاً برای خودت آینده‌ای نبینی و فقط به خدا اتکاء کنی. نمی‌شود که هم به خدا اتکاء کنی و هم به دارایی‌های خودت اتکاء کنی و مثلاً بگویی: «خدایا! هم به تو اتکاء می‌کنم و هم به جوانی خودم اتکاء می‌کنم. و هم به سلامتی خودم اتکاء می‌کنم...» همین اتکاء به غیر خدا، قساوت قلب است. طهارت قلب به این است که انسان به غیر خدا اتکاء نداشته باشد و در نتیجه برای خودت آینده‌ای نمی‌بیند و آینده خودت را کاملاً در دست خدا می‌بیند.

• در روایات بر ارزش توکل، خیلی تأکید شده است (لَا تَجْعَلَنَّ لِنَفْسِكَ تَوَكُّلاً إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ لَا يَكُنْ لَكَ رَجَاءٌ إِلَّا اللَّهُ؛ غررالحکم ۳۸۵۹) و در برخی از روایات، توکل را عالی‌ترین عمل (التَّوَكُّلُ أَفْضَلُ عَمَلٍ؛ غررالحکم ۳۸۵۷) و بهترین چیزی که انسان می‌تواند به آن تکیه کند، معرفی کرده‌اند (التَّوَكُّلُ خَيْرُ عِمَادٍ؛ غررالحکم ۳۸۵۵) البته توکل مراتبی دارد که ما هر مرتبه‌ای از آن را بتوانیم، خوب است به‌دست آوریم. اگر در نظر بگیریم که ما آینده نداریم و همه‌اش در دست خداست، آن‌وقت قلب ما باصفا می‌شود.

۶- محبت به اولیاء خدا / چرا خدا در شب قدر، ما را متوجه امیرالمؤمنین(ع) کرده؟ / چرا بر زیارت امام حسین(ع) در شب قدر تأکید شده؟

علاوه بر شرایط فوق، دو بال دیگر هم در شب‌های قدر لازم داریم که اینها هم نیز از علائم صفای باطن انسان است؛ یکی محبت به اولیاء خدا و دیگر برائت از دشمنان خدا. اگر زیارت امام حسین(ع) در شب قدر، این قدر تأکید شده، معنایش این است که دل خودتان را در پیچ و تاب حرم امام حسین(ع) - اساساً حرم اهل‌بیت(ع) - قرار دهید. نمونهٔ دیگرش هم این است که خداوند در شب‌های قدر - به واسطهٔ شهادت امیرالمؤمنین(ع) - دل‌های ما را متوجه امیرالمؤمنین(ع) کرده و قلب ما را نسبت به ایشان مهربان و پُرمحبت می‌کند و این از الطاف الهی است.

وقتی پشت سر یک مصیبتی، نعمتی پنهان باشد، می‌گویند از الطاف خفیه الهی است. لذا می‌توان گفت: «اینکه مصیبت امیرالمؤمنین(ع) در شب قدر واقع شده است، از الطاف خفیه الهی است چون باعث می‌شود محبت ما را نسبت به امیرالمؤمنین(ع) به غلبان بیاورد.»

نه تنها در شب قدر، باید به یاد امیرالمؤمنین(ع) باشیم بلکه سعی کنیم محبت امیرالمؤمنین(ع) را تا آخر ماه مبارک رمضان، از یاد نبریم. ببینیم آیا می‌توانیم ده شب برای امیرالمؤمنین(ع) عزاداری کنیم؟ آیا می‌توانیم ده شب در محبت مولا، اشک بریزیم؟ البته کار دشواری است و اجرای آن ظرفیت می‌خواهد. ما طبیعتاً با ذکر ابا عبدالله الحسین(ع) راحت‌تر هستیم. گویا مصیبت‌های کربلا برای همین سهولت، طراحی شده‌اند و دست دل ما را می‌گیرند.

در شب قدر باید دل خود را در معرض نور اهل‌بیت(ع) قرار دهی. تو که امام حسین(ع) را دوست داری، در شب قدر مدام برای خودت روضه بخوان تا دلت برای مصائب امام حسین(ع) آتش بگیرد. این از مقدمات سعادت انسان است.

دل باصفا، دلی است که اولیاء خدا را دوست دارد و عاشق آنهاست. در عبادت‌های شب‌های قدر، یکی از چیزهایی که به ما سفارش شده است قرآن سر گرفتن و قسم دادن به چهارده معصوم(ع) و قرآن است و این مسأله، خیلی راز دارد. یعنی ما آویزان به ثقلین هستیم؛ ثقل اکبر و ثقل اصغر. حالا اگر دل تو آن‌چنان که باید و شاید نسبت به اولیاء خدا صاف نباشد، یعنی وضعیت خراب است و عبادت تو را نمی‌پذیرند. حتی اگر هزار سال هم عبادت کنیم ولی مهر اولیاء خدا در دل مان نباشد، از ما نمی‌پذیرند. (امام سجاده(ع): **لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَمَرَ مَا عُمِرَ نُوْحٌ عَ فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا يَصُومُ النَّهَارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ وَاٰتِيْنَا لَهُ نَبْعُهُ ذَلِكَ شَيْئًا؛** من لایحضره الفقیه/ ۲/ ۲۴۵)

۷- برائت از دشمنان خدا/ نفرت از دشمنان خدا را به دل‌مان بیاوریم

یکی دیگر از شرایط یک دل سالم برای شب‌های قدر، برائت از دشمنان خداست. باید نفرت از دشمنان خدا را به دل‌مان بیاوریم. البته این کار ساده‌ای نیست، ولی روضه‌ها به ما کمک می‌کنند که نفرت دشمنان خدا به دل ما بیاید. بنده نظرم این است که در شب قدر، لازم است یک روضهٔ حضرت زهرا(س) برای خودمان بخوانیم، یا روضهٔ حضرت رقیه(س) بخوانیم تا نفرت نسبت به دشمنان قسی‌القلب ایشان را به دل‌مان بیاوریم.

برائت در هر دلی نمی‌آید، این دل‌های باصفا هستند که برائت در دل‌شان می‌نشیند. بعضی‌ها آدای صلح و نوع دوستی را درمی‌آورند و می‌گویند: «لعن نکنید، دشمنان خدا هرچقدر هم بد بوده‌اند، رهایشان کنید. مهربان باشید!» اتفاقاً همین کسانی که دم از مهربانی

و نوع دوستی می‌زنند، خودشان قسی‌القلب هستند. اینها اصلاً نمی‌دانند «عدؤ الله» یعنی چه؟ وقتی خدا «لطیف» است، مگر دشمن خدا هم می‌تواند لطیف باشد؟!

امروز علائم (و امدادهای الهی) از در و دیوار دارد برای ما می‌ریزد و به ما کمک می‌کند که نفرت از دشمنان خدا را به دل خودمان وارد کنیم. دیگر خداوند چگونه می‌خواهد ما را هدایت کند و رشد دهد؟! مثلاً امروز شما دارید می‌بینید که چه ظلم‌هایی نسبت به مردم غزه می‌شود، یا می‌بینید که این داعشی‌ها و تکفیری‌ها چه جنایت‌هایی انجام می‌دهند. اگر به این ظلم‌ها و جنایت‌ها نگاه کنید، طبیعتاً نسبت به ظالمان نفرت پیدا می‌کنید و این لطف خداوند نسبت به ماست که می‌خواهد ما را بالا بکشد و اوج دهد و به ما صفای باطن بدهد. همین‌که نسبت به دشمنان ولیّ خدا و دشمنان خدا، غضب پیدا می‌کنیم، این عامل صفای باطن ماست و موجب می‌شود بیشترین بهره‌ها را از شب‌های قدر ببریم.

۸- کرنش در مقابل عظمت پروردگار

علامت یا شرط دیگری که می‌تواند موجب صفای قلب ما شود، تعظیم بارگاه ربوبی است. ما نباید فقط خدا را دوست داشته باشیم، نباید فقط از خدا گدایی کنیم، نباید فقط از خدا طلبِ ترخّم کنیم، بلکه «الله اکبر» گفتن، تعظیم پروردگار و تسبیح خداوند هم لازم است. دعای جوشن کبیر، از این جهت خیلی عالی است.

کرنش کردن در مقابل عظمت پروردگار عالم، علامت صفای باطن است. کسی که شب قدر فقط برای گدایی از خدا بیاید و به عظمت پروردگار بی‌توجه باشد، گویا یک طرفِ قلبش را قساوت گرفته است. در شب قدر، برای تواضع و تکریم پروردگار عالم بیاییم و نماز مؤدبانه بخوانیم. آداب شب قدر را به‌جا بیاوریم. سجده‌ها و رکوع‌های قشنگ انجام دهیم. ادکاری که در دعای جوشن کبیر می‌گوییم، با توجه بخوانیم. از عظمت پروردگار یاد کنیم.

بعضی‌ها با خداوند متعال، خیلی خودمانی می‌شوند! البته این خوب است، اما به این شرط که این خودمانی شدن با پروردگار، ضمن احترام به مقام ربوبی و ذیل تکبیر و تهلیل و تسبیح باشد. چرا در صدر نماز «الله اکبر» می‌گوییم؟ چرا تا پایان نماز، هر حرکتی انجام می‌دهیم «الله اکبر» می‌گوییم؟ برای اینکه به مقام ربوبی احترام بگذاریم و جایگاه خودمان را در مقابل پروردگار فراموش نکنیم.

۹- امید و حسن ظنّ به خدا

یکی دیگر از شرایط برای صفای باطن در شب‌های قدر، امید است. امید ما به خداوند، خیلی باید بالا باشد. در اینجا امید را حتی مقابل «خوف» هم در نظر نمی‌گیریم بلکه امید را به معنای «حسن ظنّ» نسبت به پروردگار در نظر می‌گیریم. این امید و حسن ظنّ نسبت به خدا، علامت صفای باطن انسان است.

در شب قدر اولاً نسبت به آنچه که خداوند تا کنون با ما روا داشته است، باید اعلام رضایت و شکر کنیم (بند دوم که قبلاً بیان شد) ثانیاً نسبت به آنچه من بعد می‌خواهد نسبت به ما روا دارد، باید حسن ظنّ داشته باشیم. باید وجودمان سرشار از حسن ظنّ باشد. پیش خودمان بگوییم: «مشب خدا می‌خواهد آخر لطف خود را نسبت به من داشته باشد، من یقین دارم که خدا به من فوق‌العاده مهربان است». (امام محمد باقر(ع) می‌فرماید: هیچ بنده مؤمنی حسن ظنّ به خدا ندارد مگر اینکه خدا به اندازه گمانش با او رفتار می‌کند، چون خدا کریم است و تمام خیرات در دست اوست و شرم دارد از اینکه بنده مؤمنش گمان خوبی به او برد سپس مخالف

گمان و امیدش عمل کند، به خدا حسن ظن داشته باشید و مشتاق او باشید؛ لَا يَحْسُنُ ظَنُّ عِبْدٍ مُّؤْمِنٍ بِاللّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يَبْدِيهِ الْخَيْرَاتِ يَسْتَحْيِي أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنُّ ثُمَّ يُخَلِّفُ ظَنَّهُ وَ رَجَاءَهُ فَأَحْسِنُوا بِاللّهِ الظَّنَّ وَ ارْتَعَبُوا إِلَيْهِ؛ کافی (۷۲/۲)

از خدا بخواهیم که حسن ظن ما را نسبت به خودش بالا ببرد. شما وقتی به حج می‌روید-که یکی از جایزه‌های ماه رمضان، حج است- آن‌جا در سعی بین صفا و مروه، یک دعایی دارد که از خدا طلب می‌کنید که «خدایا! حسن ظن مرا به خودت افزایش بده!» (عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: كُنْتُ وَرَاءَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع عَلَى الصَّفَا أَوْ عَلَى الْمَرْوَةِ وَ هُوَ لَا يَزِيدُ عَلَيَّ حَرْفَيْنِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ خَالٍ وَ صِدْقَ النَّبِيِّ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ؛ کافی (۴۳۳/۴)

۱۰- خوف و شوق نسبت به عذاب و ثواب الهی

- در کنار حسن ظن نسبت به پروردگار عالم، خوف و شوق نسبت به عذاب و ثواب الهی نیز عامل مهمی برای رفعت قلب و صفای دل انسان است.
- جهنم در واقع به عنوان قلّه عذاب الهی است. شما هرچقدر جهنم را جدی بگیرید، از آن فاصله خواهید گرفت و از عذاب الهی دورتر خواهید شد. اگر در شب قدر بتوانید از جهنم فاصله بگیرید، از سایر عذاب‌ها نیز دور خواهید شد، مثلاً شما را از فشار قبر هم جدا خواهند کرد. یا اینکه شما را از هول و هراس‌های جان دادن هم جدا می‌کنند.
- جالب این‌جاست که فردای شب قدر، شما وقتی می‌خواهید مناجات کنید، باز هم باید از خدا بخواهید که «خدایا! ما را از عذاب جهنم نجات بده!» یا اینکه دیشب که شب قدر بود، این را از خدا خواسته بودید (خَلَصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ؛ فرازی از دعای جوشن کبیر که ۱۰۰ بار تکرار می‌شود) و با اینکه قرار است به خداوند حسن ظن داشته باشیم و مطمئن باشیم که خدا ما را بخشیده است، ولی باز هم باید از عذاب جهنم، بیشتر از قبل فاصله بگیریم. چون هرچه از این نقطه فاصله بگیریم، به آن نقطه معهود نزدیکتر می‌شویم. خداوند می‌فرماید: به عزّت و جلال سوگند که برای بندهام دو ترس و دو امنیت را یکجا فراهم نمی‌آورم؛ اگر در دنیا خود را از من ایمن بدانند در روز رستاخیز او را هراسان کنم و اگر در دنیا از من بترسند، در روز قیامت او را ایمن گردانم. (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَزَّيْ وَ جَلَّالِي لَا أَجْمَعُ عَلَى عَبْدِي خَوْفِينَ وَ لَا أَجْمَعُ لَهُ أَمْنِينَ فَإِذَا أَمِنْتِي فِي الدُّنْيَا أَخَفْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ إِذَا خَافْتِي فِي الدُّنْيَا أَمَنْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ خصال صدوق (۷۹/۱)
- خوف یکی از علامت‌های صفای دل است و یکی از شرایطی است که دل انسان را مهیا می‌کند. شوق به ثواب هم همین‌طور است. مثلاً شما باید به بهشت و رضوان الهی، شائق باشید نه اینکه بگویید: «خدایا! من به بهشت کاری ندارم، فقط مرا عذاب نکن!» شوق به بهشت و رضوان الهی، چشم دل انسان را باز می‌کند.

۱۱- مراقبت از ورود عجب و غرور به دل / از اینکه نمی‌توانیم قدر این شب را بدانیم، اظهار عجز کنیم

- نکته دیگر اینکه، مراقب باشید همین آمادگی پیدا کردن برای ورود به شب قدر، موجب نشود که یک غروری به دل شما راه پیدا کند که مثلاً پیش خود بگویید: «چه خوب است که من با این آمادگی وارد شب قدر می‌شوم!»؛ مراقب عجب باشید.
- بعضی‌ها که قصد دارند به زیارت کربلا و نجف اشرف بروند، از بنده می‌پرسند: «چگونه خودمان را به لحاظ قلبی، آماده این زیارت کنیم؟» بنده گاهی از اوقات به‌جای اینکه توصیه‌هایی درباره آمادگی برای حضور در

حرم اهل‌بیت(ع) به آنها داشته باشیم، یک جواب دیگری می‌دهم و می‌گویم: «اصلاً آماده نباش! بدون آمادگی برو! چون اگر بدون آمادگی بروی، انگار افتاده‌حال‌تر خواهی رفت. بگو: خدایا! من نتوانستم آماده بشوم... داشتن این حال(اتکسار و افتاده‌حالی) بهتر از آن آمادگی است که همراه با نوعی عجب و امیدواری به آمادگی خود است»

- گاهی اوقات انسان‌ها وقتی برای کاری آماده می‌شوند، همین آمادگی‌شان، کار را خراب می‌کند. چون یک نوع عجب و غرور پیدا می‌کنند. البته در میان عناصری که برای آمادگی جهت ورود به شب قدر بیان شد، عناصری هم وجود دارد که جلوی عجب را می‌گیرد. مثلاً اینکه گفتیم: «مثل کسانی در شب قدر حضور پیدا کنید که در پرونده خودشان هیچ خوبی‌ای نداشته‌اند و فقط بدی و گناه داشته‌اند»(بند چهارم) ولی به هر حال، از این جهت که ما ناتوان هستیم از اینکه قدر این شب را بدانیم، باید یک اظهار عجزی در خانه خداوند داشته باشیم، تا چشم دل‌مان به یک فضاهایی باز شود که واقعاً زندگی دیگری را برای ما رقم می‌زند و امکان سیر کردن در فضاهای دیگری برای‌مان فراهم شود که در آن فضاها می‌شود بهتر تنفس کرد.

هریک از شرایط فوق را به هر مقدار نداشته باشیم، همان مقدار از فیض شب قدر محروم خواهیم بود

- این یازده موردی که مرور کردیم، شرایطی هستند که به ما کمک می‌کنند برای حضور در شب‌های قدر آمادگی قلبی پیدا کنیم. هر کدام از این شرایط را به هر مقداری نداشته باشیم، به همان مقدار از فیض شب‌های قدر محروم خواهیم بود. چون فیض شب‌های قدر را به اندازه صفای قلب و سلامت قلب‌مان به ما عنایت می‌کنند.
- می‌توانید برای توجه بیشتر به این موضوعات، آنها را برای خودتان فهرست کنید و این فهرست را جلوی خودتان قرار دهید؛ یکی یکی مرور کنید و برای خودتان علامت بزنید که کدام‌یک از این شرایط را دارید و کدام‌یک را ندارید یا کم دارید؟ (شبیبه چک‌لیستی که برای سفر تهیه می‌کنید و در آن وسایل مورد نیاز خود را فهرست می‌کنید) حتی در شب قدر می‌توانید به این فهرست نگاه کنید و در مناجات‌های خودتان تا صبح، اینها را به عنوان خواسته‌های خودتان در خانه خداوند مطرح کنید.
- درباره هر کدام از این شرایط، چند دقیقه فکر کنید و قلب خودتان را به آن موضوع متوجه کنید، تا ان شاءالله یک دل آماده برای حضور در شب قدر پیدا کنید. هرچقدر از این شرایط را که نتوانستید مهیا کنید، در خانه خدا اظهار عجز کنید و بگویید: «خدایا! بیش از این نتوانستم برای شب قدر آمادگی پیدا کنم، بقیه‌اش را خودت درست کن...»

